

فرهنگ سیاسی و تأثیر آن در رویکرد ایرانیان به روسیه

دکتر علی امیدی¹

به دلیل تجزیه بخشی از خاک ایران توسط روسیه در قرن نوزدهم و اساساً روابط استعماری ایران با قدرت‌های بزرگ در قرن نوزدهم و اشغال ایران در دو جنگ جهانی اول و دوم، دیدگاه ایرانیان به قدرت‌های بزرگ، خصوصاً نسبت به روسیه منفی است. اما این ذهنیت منفی صرفاً ناشی از رویدادهای تاریخی نیست، بلکه یکی از دلایل چنین ایستار ذهنی متأثر از فرهنگ سیاسی و سبک تاریخ‌نگاری در ایران است که پدیده‌های سیاسی و تاریخی به صورت تک‌عاملی و با صبغه فرهنگی ایرانیان مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد و بخش زیادی از قصورات داخلی و کاستی‌های فرهنگی فرافکنی می‌گردد. با توجه به روانشناسی انسان‌ها که همیشه حوادث منفی را برجسته تر از حوادث مثبت ارزیابی می‌کنند، این قضیه در روابط ایران و روسیه نیز صدق می‌کند و تاریخ‌نگاری غالب در ایران سعی در اغماض و در حاشیه قرار دادن حوادث مثبت روابط دو کشور دارد. در شکل‌گیری ذهنیت یک ملت نسبت به دیگران، فقط رویدادها نقش ندارند، بلکه نوع روایت نیز بسیار حایز اهمیت است. ذهنیت ایرانیان به روسیه هر چه که باشد، این کشور یک واقعیت ژئوپلیتیک برای ایران است و داشتن رابطه اصولی و دراز مدت با این همسایه اجتناب‌ناپذیر است. برای رسیدن به این هدف، بستر سازی فرهنگی و تجدید نظر در سبک تاریخ‌نگاری اجتناب‌ناپذیر است. در این پژوهش از طریق تحلیل محتوای کتاب تاریخ دبیرستان، نقل قول نخبگان و نظرسنجی از دانشجویان، اولاً دیدگاه کلی ایرانیان نسبت به روسیه ارزیابی می‌گردد؛ ثانیاً در تبیین چرایی این دیدگاه، یکی از علل آن فرهنگ سیاسی غالب و سبک تاریخ‌نگاری جستجو می‌شود.

واژگان کلیدی: روسیه، تاریخ‌نگاری، فرهنگ سیاسی، توطئه، ایران، سیاست خارجی

مقدمه

فرهنگ عبارت است مجموعه دستاوردهای معنوی انسان شامل طرز فکر، شیوه زندگی، ارزش‌ها و هنجارها که بر اساس آن انسان با دیگر هم‌نوعان خود تعامل می‌کند و به قضاوت و داوری نسبت به آنها می‌پردازد. هر یک از کشورها دارای فرهنگ سیاسی خاصی است که برداشت آنها را از خود و دیگران شکل می‌دهد، به نوبه خود باعث کنش‌ها و اقدامات مختلف آنها می‌گردد (wikipedia, 2008: culture). از این‌رو، فرهنگ در تفسیر نیات و رفتار دیگران و همچنین در تعریف اولویت سیاست خارجی دولت‌ها نقش به‌سزایی ایفا می‌کند.

از آغاز تشکیل اجتماعات انسانی، مراوده و ارتباط بین جوامع، جزء گسست‌ناپذیر زندگی اجتماعی بشر بوده است. انسان‌ها در فرایند این ارتباطات به یک دسته باورهایی می‌رسند و برای تنظیم این مناسبات و روابط، یک دسته هنجارهایی ایجاد می‌کنند. مجموعه این باورها و هنجارها منجر به ظهور فرهنگ‌ها و تمدن‌های مختلف در طول تاریخ شده است. پس داشتن مشخصات فرهنگی - تمدنی خاص، یکی از عناصر بنیادی جوامع و حیات بشری است. به‌طور کلی شناخت و تحلیل چارچوب‌های فرهنگی خود و دیگران به تصمیم‌سازان سیاست خارجی کمک می‌کند تا به اهداف و منافع خود در سیاست خارجی از طریق شناسایی موانع فرهنگی و گسترش روابط کشورها و تاثیرگذاری بر کشور هدف به منظور موجه و موثر ساختن سیاست‌ها و اقدامات خود در آن کشور دست یابند (دهقانی فیروزآبادی، 1379: وب‌سایت دید). به عبارت دیگر، فرهنگ نقش تسهیل‌کننده روابط کشورها را ایفا می‌کند. شناخت فرهنگ دیگران به اخذ تصمیمات صحیح و اتخاذ سیاست‌های واقع‌بینانه از سوی کشورها کمک می‌کند. به همین ترتیب شناساندن فرهنگ خودی موجب می‌شود ملت‌های دیگر بر اساس ارزش‌های آن کشور، پدیده‌ها را ارزیابی و درک کنند. ارتباط و گفت‌وگوی فرهنگی به رفع سوء تفاهمات و برداشت‌ها بین کشورها کمک می‌کند. همچنین شناخت فرهنگ خودی، زمینه را برای اصلاح برخی رفتارها و سیاست‌ها فراهم می‌کند. اعتقاد بر این است که بسیاری از موانع گسترش روابط ملل و تعارضات بین‌المللی ناشی از پیش‌فرض‌ها و پیشداوری‌های قوم‌مدارانه فرهنگی است که با آموزش صحیح و مبادله و مفاهمه فرهنگی، این پیشداوری‌ها از بین رفته و سطح روابط دوجانبه یا چندجانبه گسترش پیدا می‌کند (Leandear, 1997: 159-60). در حقیقت

اهمیت فرهنگ بر اساس این مفروضه است که منشاء رفتار انسان‌ها به صورت فردی یا جمعی در تفکر و اندیشه آنها ریشه دارد و با دگرگون کردن ذهن و فکر انسان، سمت‌گیری رفتاری انسان‌ها نیز تغییر می‌کند (مازار، 1375: 38-42). اهمیت فرهنگ بدان حد است که امروزه یک از رویکردهای مهم تئوریک روابط بین‌الملل، سازه‌انگاری است و مباحث مربوط به پسا مدرنیسم هم ریشه در تفاوت‌های فرهنگی دارد.

یکی از راه‌های شکل‌گیری برداشت‌آحاد یک ملت از دیگران و نهایتاً تأثیر آن بر سمت‌گیری سیاست خارجی، آموزش تاریخ در مدرسه و دانشگاه است. نگارنده با مطالعه منابع تاریخی، تحلیل نظرات برخی از نخبگان و نظرسنجی دانشجویان به این نتیجه رسیده است که برداشت بسیاری از ایرانیان نسبت به روسیه (اعم از تزاری، کمونیستی و دوره جدید) به دلیل حوادث دو قرن اخیر بین دو کشور مثبت ارزیابی نمی‌گردد و این مسئله در شکل‌گیری رویکرد منفی ایرانیان و نهایتاً سمت‌گیری سیاست خارجی ایران به این همسایه بسیار اثرگذار بوده است. یکی از عوامل این رویکرد منفی، نوع تاریخ‌نگاری و آموزش تاریخ در مدرسه و دانشگاه در ایران است. به رغم اینکه تا قبل از انقلاب اکتبر روسیه، روابط ایران و روسیه بسیار استثمارگونه (از طرف روسیه) بود، اما این بدان معنا نیست که بتوان کل تاریخ سه قرن روابط ایران و روسیه را منفی قلمداد کرد. خصوصاً بعد از انقلاب اکتبر در روابط ایران و روسیه نقاط مثبت فراوانی قابل مشاهده است. برخی از مفاد قرارداد 1921، کمک روسیه به ایران در راه اندازی صنایع سنگین و کمک روسیه در بازسازی نظامی بعد از جنگ ایران و عراق و غیره از این جمله هستند. نگارنده معتقد است که نوع نگاه به روابط بین‌الملل، سبک تاریخ‌نگاری و آموزش تاریخ در ایران در نگرش ایرانیان نسبت به روسیه تأثیر منفی گذاشته است و برای اصلاح آن باید اقدامات فرهنگی صورت گیرد. این بدان معنا نیست که تاریخ تحریف گردد، بلکه اصول رئالیستی حاکم بر روابط بین‌الملل، چند و چون حوادث منفی و نقاط مثبت روابط ایران و روسیه به خوبی مورد ارزیابی قرارگیرد. مقاله حاضر از طریق روش تحلیل محتوای کتاب تاریخ سال سوم دبیرستان، اظهارات و نگرش برخی از نخبگان ایرانی نسبت به سیاست‌های روسیه و مطالعه میدانی از 379 دانشجوی پسر و دختر در رشته‌های گوناگون تحصیلی دانشگاه اصفهان، فرهنگ سیاسی غالب ایرانیان را در قبال روسیه مورد ارزیابی قرار می‌دهد.

سؤال اصلی که در این تحقیق دنبال خواهد شد این است: برداشت ایرانیان از روسیه چگونه است و چه تاثیری بر روابط دو کشور بر جای گذاشته است؟

فرضیه پژوهش: نگرش ایرانیان به روسیه تقریباً منفی است و این نگرش با تاثیرگذاری بر سمت‌گیری سیاست خارجی ایران، مانع از برقراری روابط اصولی و بلند مدت با این کشور شده است و ایران در موقعیت‌هایی که با فقدان جایگزین مواجه بوده است به گسترش روابط با این کشور مبادرت کرده است.

تاثیر فرهنگ سیاسی بر سمت‌گیری سیاست خارجی

انسان‌ها در فرایند تعامل با یکدیگر به یک دسته برداشت‌های درست یا نادرست می‌رسند و مبنای تصمیم‌گیری‌های بعدی خود را بر اساس این برداشت‌ها قرار می‌دهند. این برداشت‌ها اگر عمومیت داشته باشد و در کل جامعه بدان اعتقاد داشته باشند تبدیل به بخشی از فرهنگ جامعه می‌گردد که طی فرایند اجتماعی شدن به نسل‌های بعدی منتقل می‌شود.

"مارگارت مید" در تعریف فرهنگ گفته است: "فرهنگ مجموعه‌ای از رفتارهای آموختنی، باورها، عادات و سنن مشترک، میان گروهی از افراد است که به گونه‌ای متوالی توسط آحاد یک جامعه یا دیگران که وارد آن جامعه می‌شوند، آموخته و به کار گرفته می‌شوند" (مید، 1377: 82).

"مید" در این تعریف، چهار خصوصیت اصلی را در تعریف فرهنگ مد نظر قرار داده است: عامل اول رفتارها و کردارهای مختص یک ملت یا قوم و گروه؛ که هم مورد طبع و پسند آنها، هم آموزشی و تعلیمی هستند. دوم باورها و اعتقادات آن دسته که از طریق تعیین و به طرز تعلیم، اقناع درونی و تجربی برایشان حاصل می‌گردد. سوم آن نوع عادات و سنت‌های مشترک و مورد پذیرش گروه چهارم خاصیت به ارث رسیدن و تکامل مرحله به مرحله آنها توسط نسل قبل، حاضر و آینده آن جامعه (همان).

همانطور که ملاحظه می‌شود، باورها و ذهنیت‌های جامعه نسبت به دیگران یکی از عناصر اصلی فرهنگ را تشکیل می‌دهد. این باورها و ذهنیت‌ها بعضاً دارای سوگیری سیاسی است که به آن فرهنگ سیاسی می‌گویند. فرهنگ سیاسی عبارت از مجموعه باورها، هنجارها

و گرایش‌های عاطفی است که انسان‌های یک جامعه به صورت کل نسبت به پدیده‌های سیاسی دارند. این باورها و گرایش‌های عاطفی طی فرایند جامعه‌پذیری سیاسی به نسل‌های آینده منتقل می‌شود. جامعه‌پذیری سیاسی همان یادگیری رفتارها و نگرش‌های سیاسی است که در طول زمان شکل می‌پذیرد. پاول و آلموند، جامعه‌پذیری سیاسی را فرایندی از جامعه‌پذیری می‌دانند که طی آن ایستارهای سیاسی فرد شکل می‌گیرند. آنها معتقدند که کودکان در سنین نسبتاً پایین، ایستارهای سیاسی و الگوهای رفتاری ابتدایی مشخصی را کسب می‌کنند (آلموند، 1382: 26-20). در حالی که برخی از ایستارها با رشد کودک متحول می‌گردند و مورد تجدید نظر قرار می‌گیرند، ایستارهای دیگری در سراسر زندگی فرد به صورت بخشی از شخصیت سیاسی او باقی می‌مانند (همان). می‌توان باورها، خلق و خوی یک ملت و ذهنیت تثبیت شده یک ملت را نسبت به دیگر کشورها در این گروه قرار داد.

بهر حال، باورهای فرهنگی و خلق و خوی یک ملت می‌تواند راهنمای خوبی در جهت شناخت بهتر آن ملت و سمت‌گیری‌های سیاست خارجی آن باشد. "هر ملت به گونه‌ای خاص می‌اندیشد. روش فکر کردن هر ملت پیامدهای مهم در سرنوشت اجتماعی سیاسی و اقتصادی آن دارد و در نهایت جایگاه آن ملت را در جامعه بین‌المللی مشخص می‌کند. فهم این روش تفکر به طور بالقوه می‌تواند زمینه‌های اصلاح در عرصه‌های مختلف را به ارمغان آورد. هر ملت به همان گونه که می‌اندیشد زندگی نیز می‌کند. این فکر کردن همیشه آگاهانه نیست و عمدتاً در خمیر مایه هر ملت قرار گرفته است. خمیر مایه در طول سال‌ها و بلکه دهه‌ها و قرن‌ها ساخته می‌شود و در پرتو آموزش تربیت، آگاهی و مدیریت سیاسی قابل تعدیل و تغییر است" (سریع القلم، 1378: 62). بی‌تردید فرهنگ سیاسی حاکم بر هر جامعه متأثر از گذشته تاریخی آن است. هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند بدون تأثیرپذیری از گذشته خود ادامه حیات دهد و همیشه عناصری از گذشته به تناسب چگونگی روند تحولات اجتماعی در زمان حال جوامع وجود دارند و حیات عمل اجتماع را مشروط می‌سازند، همیشه گذشته مصالح نیکویی را برای مطالعه زمان حال در اختیار محققان می‌گذارد و پیش‌بینی‌های احتمالی را محتمل می‌سازد برای فهم جامعه و تاریخ ایران از مطالعه الگوهای رفتاری روابط اجتماعی هزاره قبل بی‌نیاز نیستیم (رضاقلی، 1377: 21). به قول نهره: گذشته همواره با ماست و آنچه ما هستیم و داریم نتیجه‌ای از گذشته می‌باشد. ما محصولات گذشته هستیم. اگر گذشته را درک نکنیم و به صورت چیزی زنده در درون مان محسوس نباشد، حال را نیز

درک نخواهیم کرد، زیرا زندگی عبارت است از ترکیب گذشته با حال و ادامه آن به سوی آینده، گذشته، حال و آینده، به شکلی پیوسته و جدایی ناپذیر از یکدیگر با هم پیوند دارند. پس مردگان بر زنده گان حکومت می‌کنند (میری، 1380: 13). بنابراین آنچه به عنوان تحولات سیاسی اجتماعی یک کشور می‌شناسیم، تاثیر بسزایی در شکل‌گیری فرهنگ سیاسی آن کشور دارد.

در خصوص فرهنگ سیاسی ایران مباحث بسیاری از سوی نظریه پردازان مختلف ارائه شده است و در آنها ویژگی‌های مختلف فرهنگ سیاسی ایران مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. در تدوین شمایی از فرهنگ ملی ایران همه مورخان اذعان دارند که ایران به رغم موجودیت طولانی خود به عنوان یک ملت و یک کشور، در معرض یک سلسله فتوحات خارجی قرار داشته که در نگرش ایرانیان به قدرتهای بیگانه تأثیر منفی گذاشته است. موارد متعدد به تصرف درآوردن ایران از دو هزار سال قبل، با اسکندر کبیر آغاز و سپس با تصرف ایران به دست اعراب در اوائل دوران اسلامی، مغول چنگیز و تیمور، ترک‌های سلجوقی، اشغال کشور به دست افغان‌ها و سرانجام سلطه بریتانیا و روسیه و حتی اشغال ایران دنبال می‌شود. این فاتحان و بسیاری مهاجمان دیگر، طی دوره‌های طولانی زمام امور ایران را به دست گرفته و آسیب‌های روانی بر ملت ایران وارد کرده اند که مهمترین آنها عدم اطمینان به بیگانگان است. (فولر، 1377: 21)

در پی چنین تجارب تلخ تاریخی و همچنین پایین بودن سطح آگاهی‌های عمومی، تئوری توطئه تبدیل به بخش جدایی ناپذیر جریان اصلی فرهنگ سیاسی ایرانیان شده است. تئوری توطئه یا به تعبیری بهتر شیوه تفکر مبتنی بر توطئه باوری، روشی تبیینی و ذهنی است که براساس آن، وقایع و حوادث مختلف با توجه به یک عامل عمده تجزیه و تحلیل می‌شود و علل و عوامل دیگر در وقوع رخدادها و حوادث توجهی نمی‌شود. چنین طرز تفکری در حوزه سیاست و تصمیم‌گیری‌های سیاسی به دلیل تاثیر عمیق و آثار و نتایجی که در تمامی حوزه‌ها سیاسی و اجتماعی می‌تواند داشته باشد حائز اهمیت است. کسی که به تئوری توطئه دچار است، تمام وقایع عمده سیاسی و سیر حوادث و مشی وقایع تاریخی را در دست پنهان و قدرتمند سیاست بیگانه و سازمان‌های مخوف سیاسی و اقتصادی و حتی مذهبی وابسته به آن سیاست می‌پندارد. توطئه‌نگری ناشی از ساختارهای فکری و فرهنگی یعنی ساختارهای ذهنی مبتنی بر ثنویت که بخش کردن جهان به دو بخش نیک و بد است.

بسیاری از ایرانیان همواره پیچیده ترین تبیین از رویدادهای سیاسی را مبتنی بر تبانی قدرت‌های بزرگ کرده و آنها را بیش از حد ساده می‌سازند. (همان: 25)

یکی دیگر از مشخصات فرهنگ سیاسی ما ایرانیان انتظار برخورد جوانمردانه (بر اساس تعریف ایرانی)، نوع‌دوستانه از بیگانگان است. این انتظار هر چند با اصول اخلاقی کاملاً مطابقت می‌کند، ولی این نگاه در تاریخ روابط بین الملل در رفتار عملی دولت‌ها کمتر تأیید شده است و دولت‌ها بر اساس منافع خود تغییر موضع می‌دهند. بارها از سوی نخبگان ما اظهار نظر گردیده است که فلان دولت فقط بر اساس منافع خود روابطش را با ایران تنظیم کرده است. به نظر می‌رسد که چنین اظهار نظرهایی در بستر فرهنگ ایرانی صورت گرفته باشد که نوع‌دوستی و مراعات حقوق دیگران ارزش والایی در فرهنگ ما دارد. ولی ماهیت سیاست بین الملل غالباً از منطق بازی‌ها پیروی می‌کند و قدرت‌های بزرگ با توجه به ماهیت متحول منافع شان سایر بازیکنان را به مثابه کارت چانه‌زنی ملحوظ می‌کنند.

همچنین با توجه به رویکرد منفی ایرانیان به قدرت‌های بیگانه، آنها یکی از گفتمان‌های سیاست خارجی خود را پس از پیروزی انقلاب اسلامی، اصل نه شرقی - نه غربی قرار داده اند و در دنیای پسا - دو قطبی هم این اصل را به معنای عدم تسلیم به بیگانگان و عدم اجازه دخالت آنها در امور داخلی ایران باز تفسیر نموده اند و این تفکر مانع از بازی‌های حرفه ای و مرسوم دیپلماتیک در ایران شده است.

فرآیند تاریخی شکل‌گیری ذهنیت منفی ایرانیان نسبت به روسیه

همانطور که مطرح گردید هر ملتی تحت تاثیر سوابق تاریخی خود که شامل شکست‌ها و پیروزی‌ها، مصایب و کامیابی‌ها می‌شود دارای یک ذهنیت تاریخی است. این ذهنیت شکل گرفته در هر ملتی به نوع نگرش آنها نسبت به دیگر ملت‌ها شکل می‌دهد و بدین‌گونه بر نوع و سطح تعاملات آن با دیگران تاثیر می‌گذارد. به عبارت دیگر این نگرش‌ها بخشی از فرهنگ سیاسی یک کشور را تشکیل می‌دهد و طی فرایند اجتماعی شدن به نسل‌های آینده منتقل می‌شود. یکی از راه‌های انتقال فرهنگ، مدرسه و متون آموزشی در آن است. بخشی از فرهنگ سیاسی یک کشور و باورها نسبت به دیگران از طریق متون درسی مدارس منتقل می‌گردد. اگر ایرانیان نسبت به انگلیسی‌ها همواره نوعی نگرش منفی دارند این به

خاطر ذهنیت تاریخی ایرانی است که تحت تأثیر وقایع تاریخی و اقدامات انگلیسی‌ها در ایران بوده است و این ذهنیت در فرایند جامعه پذیری به نسل‌های بعدی منتقل شده است. اگر ایرانیان مثلاً نسبت به چینی‌ها در مجموع نگرش مثبت و علائق ویژه‌ای دارند این بدین خاطر است که در ذهنیت تاریخی ایرانی، این کشور برای قرن‌ها دارای ارتباط مثبت با ایران بوده و خاطرات و پیوندهای تاریخی و فرهنگی مشترکی بین این دو وجود دارد. بدین‌گونه می‌بینیم که ذهنیت تاریخی هر ملتی می‌تواند تحت تاثیر سوابق تاریخی نسبت به ملل دیگر مثبت یا منفی باشد و این امر تبدیل به فرهنگ سیاسی جامعه می‌گردد. در این میان، سبک تاریخ‌نگاری در تشدید و کاهش چنین ذهنیتی می‌تواند نقش موثری داشته باشد. در شکل‌گیری ذهنیت یک ملت نسبت به دیگران، فقط رویدادها نقش ندارند، بلکه نوع روایت نیز بسیار حایز اهمیت است. چنین ذهنیت‌ها یا به عبارتی فرهنگی سیاسی به نوبه خود اولویت‌های سیاست خارجی را تعریف می‌کند و معمولاً کشورهایی که در فرهنگ سیاسی با نظرگاه منفی قلمداد می‌گردد معمولاً غیر از شرایط گریز ناپذیر و فقدان آلت‌رناتیو، جایگاه مناسبی در سیاست خارجی اینگونه کشورها ندارند.

در مورد ذهنیت تاریخی ایرانی نسبت به روس‌ها (اعم از دوره تزاری، شوروی و دوران جدید) باید گفت که به دلیل غلبه خاطرات منفی (بر مثبت) ایرانیان نسبت به روس‌ها و اقدامات خود در ایران همواره نوعی بدبینی، بی‌اعتمادی و ترس و نفرت در میان ایرانیان وجود دارد (زرگر، 1384: وب سایت دید). در واقع باید گفت که "در چشم ایرانیان روسیه کشوری است... که در کنار انگلیسی‌ها از اصلی‌ترین عوامل توسعه‌نیافتگی و عقب‌ماندگی کشور به شمار می‌آیند." (موسوی، 1374: 58) "گراهام فولر" نیز این نگرش منفی ایرانی نسبت به روس‌ها را مورد تاکید قرار داده و می‌نویسد: "... نفوذ روسیه و مداخله همیشگی این کشور در امور داخلی ایران در دوران‌های تزاری، در روان ایرانیان به روشنی حک شده است، در دوران معاصر فقط بریتانیای کبیر است که همراه با روسیه بزرگ‌ترین کنترل استعماری را بر ایران اعمال کرده است" (فولر: 160). وی همچنین به نقل از کتاب حاجی‌بابای اصفهانی اثر جیمز موریه می‌نویسد: "و اما روس‌ها اروپایی نیستند - آنها از سگ‌های اروپا هم کمترند. بعد از آن، زنادقه روس منحوس است، که ملتی نجس‌العین و عین نجاستند... دشمن حقیقی ما این است" (فولر: 158). سیاست‌ها و اقدامات قدرت‌های بزرگ در ایران، بر فرهنگ سیاسی ایرانی تأثیر شدیدی گذاشته و عنصر قوی بیگانه ترسی را، در آن نیرومند ساخته و نگرش شدید

منفی را به درجات مختلف، نسبت به قدرت‌های بزرگ رشد داده است. "ادموند هرزیک" در این باره چنین می‌گوید: "از قرن نوزدهم به این سو، رقابت یا همکاری قدرت‌های بزرگ تأثیر عمیقی بر تاریخ ایران گذارد؛ و نه تنها چارچوب سیاست خارجی این کشور را شکل داده، بلکه تحولات اقتصادی و سیاسی آن را نیز رقم زد... مردم ایران معتقدند که سیاست قدرت‌های بزرگ تعیین‌کننده تاریخ معاصر ایران بوده است. بازی‌های تلخ و مرموز روسیه، بریتانیا، و ایالات متحده منشا کلیه مشکلات ایران قلمداد می‌شود." (هرزیک، 1375: 10) خشم و نفرت ایرانیان نسبت به اقدام روسیه در حمایت از محمدعلی شاه در سرکوب جنبش مشروطه و نیز یورش نیروهای روس به حرم امام رضا (ع) را می‌توان در شعر «توپ روس» ملک‌الشعراى بهار به خوبی مشاهده نمود:

چشم دوزید و ببینید که این پاک حریم	قتلگاهی است که خون، موج زند سرتاسر
پس بیا لختی و بیدار عدو را بشنو	پس بیا زود زیارتگه ما بنگر
بنگر که باز این خیره تمدن خواهان	کرده آن کار که وشى ننماید باور
هشتمد مرد و زن از بومی و زوار و غریب	داده جان از یورش لشکر روس کافر

(بهار، 1382: 207-205)

بدون شک ذهنیت ایرانی تحت تأثیر اقدامات روس‌ها در ایران، نسبت به آنها منفی و تیره می‌باشد و واقعیتی غیرقابل انکار است. در طی دو، سه سده اخیر روس‌ها در ایران و حوزه تمدن ایرانی (آسیای مرکزی و قفقاز) اقداماتی را انجام داده‌اند که روح و روان ایرانی را آزرده است (زرگر، پیشین). از همان آغاز قدرت‌گیری روس‌ها، ایران و حوزه‌های تمدن ایرانی برای آنها جذاب جلوه کرده و لذا به تدریج دست‌اندازی‌ها و گسترش‌طلبی‌های آنها را سبب گردید. (امیر احمدیان، 1383) اهداف روس‌ها طی چندین قرن نسبت به ایران را می‌توان در این موارد خلاصه کرد:

- ۱- تصرف سرزمین تا هر کجا که ممکن باشد.
- ۲- جلوگیری از نفوذ کشورهای مخالف منافع روسیه در سرزمین ایران؛
- ۳- کسب سیطره بر سیاست‌های داخلی و خارجی ایران به منظور به حداقل رساندن نفوذ دولت‌های خارجی در ایران و کسب حداکثر منافع اقتصادی و سیاسی در ایران. (فولر، 161)

از قرن هفدهم با رشد تدریجی قدرت روسیه از یک سو و ضعف و افول تدریجی قدرت ایران، این اهداف به مرور زمان عملی‌تر می‌گردید. جذابیت قلمروهای جنوبی و به ویژه دسترسی به خلیج فارس و آب‌های گرم بین‌المللی، روس‌ها را به گسترش‌طلبی به سوی جنوب وامی‌داشت (زرگر، پیشین). روی کار آمدن خاندان رومانوف در روسیه که باعث تمرکز بیشتر قدرت در روسیه شد همزمان است با حمله محمود افغان به اصفهان و تضعیف شدید حکومت مرکزی ایران. درست در همین زمان روس‌ها از وضعیت آشفته ایران سوءاستفاده نموده و به گسترش‌طلبی ارضی روی می‌آوردند چنان که در زمان پطر کبیر نواحی مهمی از خاک ایران در شمال کشور از جمله گیلان و مازندران را به اشغال خود درمی‌آوردند. (موسوی: 52) به باور ایرانیان، روس‌ها طی دو، سه سده قسمت‌های زیادی از خاک ایران را تصرف نموده و برای همیشه از خاک ایران جدا کردند. گسترش‌طلبی روس‌ها و اقدامات آنها در زمینه تصرف خاک ایران و اعمال سلطه بر سرزمین‌های واقع در حوزه تمدن ایرانی بسیار گسترده و البته برای ایرانیان بسیار دردناک بوده است. (کاظم زاده، 1371: 4) به طور کلی اقدامات و سیاست‌های روس‌ها نسبت به ایران که منجر به دیدگاه منفی ایرانیان شده است را می‌توان در این موارد خلاصه نمود:

1- عهدنامه گلستان ۱۸۱۳: در پی جنگ‌های ایران و روسیه در اوایل قرن نوزدهم و از دست رفتن بسیاری از سرزمین‌های ایران، بین دو کشور پیمانی منعقد شد که به موجب آن، ایران بسیاری از متصرفات خود را در قفقاز، از جمله باکو و دربند و گنجه و گرجستان و حتی حق کشتیرانی در دریای مازندران را نیز از دست داد. (همان)

2- عهدنامه ترکمانچای: این عهدنامه در سال ۱۸۲۸ در روستای ترکمانچای میانه بین دو کشور منعقد شد و به موجب آن ایران علاوه بر سرزمین‌های وسیعی که از دست داد، مجبور به پرداخت ۲۰ میلیون روبل به روس‌ها شد.

3- تصرف نواحی مختلف آسیای مرکزی که همواره در حوزه فرهنگ و تمدن ایرانی قرار داشته و در ورق ورق تاریخ ایران دارای جایگاه مهم و برجسته‌ای بوده است. اشغال نواحی مانند: تاشکند ۱۸۶۵، خیوه ۱۸۷۳، خوقند ۱۸۷۶، مناطق ترکمن‌نشین ۱۸۸۱، مرو در سال ۱۸۸۴. (زرگر، پیشین)

4- قرارداد ۱۹۰۷: به موجب این قرارداد روسیه و انگلستان در صدد برآمدند ایران را به عنوان منطقه نفوذ بین خود تقسیم نمایند. (کولایی، ۱۳۷۸: ۲۸۸)

5- کمک به محمدعلی شاه در سرکوب جنبش مشروطه ۱۹۱۲: مجلس مشروطه با کمک لیاخوف روسی به توب بسته شد و محمدعلی شاه با کمک جدی روس‌ها، اولین جرقه و حرکت آزادی خواهانه را سرکوب نمود. در این راستا روس‌ها در اعدام بسیاری از مشروطه خواهان (مانند مجتهد اعلم آذربایجان ثقه الاسلام و بسیاری دیگر) نقش مستقیم داشتند (کاظم زاده: ۶۴۰). در همین دوران حمله آنها به مرقد امام رضا و کشتن تعداد زیادی از مردم و تخریب برخی از بناهای مذهبی موجب آزردهی مردم ایران شد. (بهار: ۲۴۰)

6- اشغال ایران در جنگ جهانی اول.

7- تحریک جریان‌های جدایی طلب در ایران در برهه‌های مختلف شامل حمایت از جنبش چپ‌گرا - ملی‌گرا در گیلان بین سال‌های ۱۹۱۶ - ۱۹۲۰ و حرکت‌های جدایی طلبانه در دو استان کردستان و آذربایجان پس از جنگ جهانی دوم. (فولر: ۱۷۰)

8- اشغال و نقض آشکار بی‌طرفی ایران در جنگ جهانی دوم و عدم ترک خاک ایران پس از پایان جنگ جهانی دوم. در پی شکست آلمان و متحدین آن از دول متفق و پایان جنگ جهانی دوم، اتحاد شوروی برخلاف تعهدات خود در زمینه ترک خاک ایران عمل نمود و نه تنها نیروهای خود را خارج نکرد، بلکه حرکت‌های جدایی طلبانه را در ایران تحریک و سعی در کسب امتیازات استعماری برآمد. شاید اولین مسئله بزرگی که شاه جوان ایران با آن مواجه گردید همین تهدید بزرگ روس‌ها بود که در سال‌های بعدی زمامداری خود شدیداً بر سیاست‌های خود نسبت به روس‌ها تأثیر گذاشت و به گونه‌ای ترس از این تهدید (اتحاد شوروی) که شدیداً احساس می‌شد در گرایش هرچه بیشتر او به غرب تأثیرگذار بود. (زرگر، پیشین)

9- کمک‌های نظامی گسترده به طرف جنگ با ایران یعنی عراق: در طول جنگ ایران و عراق اتحاد جماهیر شوروی به دلیل روابط خاصش با عراق، از آن کشور حمایت می‌نمود...

10- تغییر موضع در قبال رژیم حقوقی دریای خزر.

11- فراز و نشیب‌های رفتاری در خصوص پرونده هسته‌ای ایران.

اغماض و کم اهمیت دادن به فرازهای مثبت روابط ایران و روسیه

به رغم اینکه رویدادهای منفی تاریخ روابط ایران و روسیه چشمگیر است، ولی بعد از انقلاب اکتبر 1917 بسیاری از وقایع زیر را نمی‌توان منفی تلقی کرد. ولی سبک تاریخ‌نگاری سعی در نادیده گرفتن این حوادث و تأکید بر منفی قلمداد انگاشتن کلیت روابط ایران و روسیه داشته است:

1- قرارداد 1921 که طبق آن همه امتیازات استعماری روسیه تزاری لغو گردید. البته پاره ای از تحلیلگران مواد 5 و 6 آن را استعماری می‌دانند، اگر این قرارداد به صورت کل و یک بسته ملاحظه شود عیوب آن به چشم نمی‌آید.

2- قرارداد بازرگانی 1940 که طبق آن روابط مثبت تجاری بین دو کشور برقرار می‌شود.

3- روابط تجاری و کمک روسیه در تاسیس صنایع مادر همچون ذوب آهن که در دوره خود انقلابی در فرایند صنعتی شدن ایران محسوب می‌شد.

4- رای وتوی شوروی در اقدامات آمریکا علیه ایران بعد از انقلاب اسلامی،

5- بازسازی نظامی ایران بعد از جنگ تحمیلی. (Eisenstadt, 1996: 66) از دهه 1990 به این سو، میزان صادرات تسلیحات روسی به ایران به صورت قابل توجهی افزایش یافته است. بین سال‌های ۱۹۹۱ و ۱۹۹۷، ایران ۳/۴ میلیارد دلار تسلیحات از روسیه خریداری کرد؛ از جمله، دو زیر دریایی نوع "کیلو"، ۴۸ فروند هواپیمای میگ-۲۹ و ۲۰۰ فروند موشک زمین به هوا. این تبادلات از هزاره سوم وارد مرحله جدیدی شد، بطوریکه روسیه مبادرت به صدور تسلیحات پیشرفته ای مانند سامانه دفاع هوایی تور ام- یک به ایران کرد. حجم فروش تسلیحاتی روسیه به ایران طی سالهای 1998 تا 2005 بالغ بر 2 میلیارد دلار برآورد گردید. (Beehner, 2006) ایران همچنان به خرید تسلیحات از روسیه علاقه نشان داده است و روسیه هم به نوبه خود اعلام داشته است که آماده است تا به درخواست ایران برای خرید اسلحه پاسخ دهد (پایور، 1382: وب سایت دید).

6- تنها کشور جهان که حاضر به ساخت نیروگاه هسته ای در ایران گردیده

است. (Simonov, 2005)

7- عدم تسلیم کامل در مقابل یک تازی آمریکا در قبال پرونده هسته ای و نهایتاً کمک به ایران از طریق صدور قطعنامه‌های کم اثر علیه ایران در شورای امنیت.

8- کمک روسیه در بررسی عضویت ایران در سازمان شانگهای و مقابله با یکجانبه گرایی آمریکا در پرتو این سازمان و همچنین تشکیل اوپک گازی. (Barrett, 2007) همانطور که گفته شد این حوادث مثبت تحت تاثیر حوادث منفی و اساساً ذهنیت منفی ایرانیان به روسیه در حاشیه قرار گرفته است و در منابع تاریخی و کتاب تاریخ دبیرستان هیچ اشاره ای به آنها نشده است. اساساً تاکید می‌شود که این حوادث مثبت در روابط دو کشور به خاطر ایران نبوده است، بلکه منافع روسیه چنین سیاستهای به ظاهر مثبت را ایجاد کرده است. چنین برخوردی به روابط بین الملل از نظرگاه فرهنگی خاصی بیان می‌شود. انتظار ساده انگارانه‌ای است که سیاست خارجی کشورها را دلسوزانه و نوع دوستانه تلقی کرد، مهم تقارن منافع دولتهاست و نباید در روابط بین الملل از دیگران انتظار ترحم و دلسوزی داشت. برای اثبات ادعای این مقاله در وجود نگرشهای فرهنگی منفی نسبت به تاریخ‌نگاری روابط ایران و روسیه، کتاب تاریخ دبیرستان مورد نقادی قرار گرفت.

تحلیل محتوای کتاب تاریخ دبیرستان

اگر به کتاب تاریخ مدارس که یکی از راه‌های شکل‌گیری فرهنگ سیاسی جامعه است رجوع شود، ضمن اینکه در هیچ کجای تاریخ اشاره‌ای به این رویدادهای مثبت در روابط ایران و روسیه نمی‌گردد، در توصیف رویدادهای مربوط به دو کشور نیز زمینه‌های وقوع حوادث با منظر فرهنگی خاصی بیان می‌گردد و این مسئله موجب بازتولید ذهنیت منفی ایرانیان به روسیه می‌شود. در اینجا برخی از آنها مورد موشکافی قرار می‌گیرد:

در صفحه 51 کتاب تاریخ دبیرستان (تاریخ ایران و جهان، سال سوم آموزش متوسطه، رشته ادبیات و علوم انسانی: 1384) آمده است:

"...در اوایل قرن نوزدهم تزارهای روس در تعقیب سیاست پتر کبیر مبنی بر توسعه ی قلمرو روسیه و رسیدن به دریاهای آزاد، قسمت‌هایی از امپراتوری عثمانی را تصرف کردند و طی

قراردادهای گلستان و ترکمانچای و آخال، قسمت‌های شمالی کشور ما را نیز به سلطه کشیدند."

در صفحه 154 کتاب مزبور آمده است:

"... ایالات شروان و گرجستان در تمام دوران صفوی و افشاریه مطیع ایران بودند، ولی در دوره زندیه به دلیل فقدان مرکزیت سیاسی ادعای استقلال کردند و تحت الحمایه روسیه در آمدند."

در اینجا نویسنده از کلمه "مطیع" استفاده می‌کند که مفهوم غیر مستقیم آن این است که این منطقه به خاطر موازنه قوا تحت حاکمیت ایران قرار گرفته است. حاکمان گرجستان بسته به شرایط سیاسی به دولت‌های روسیه، ایران و عثمانی گرایش نشان می‌دادند.

در صفحه 157 کتاب مزبور آمده است:

"... در این میان، روحانیون و علمای اسلام بر جهاد با دشمن اصرار داشتند و جمعی از آنان به همراه دسته‌هایی از مردم از عراق و اصفهان و تهران به قصد جهاد به طرف آذربایجان حرکت کردند. شاه سفیر روسیه را که عازم در بار ایران بود، نپذیرفت. بدین ترتیب، بهانه‌ی لازم به دست روسها افتاد و مرحله‌ی دوم جنگ‌ها آغاز شد."

در اینجا نویسنده سعی می‌کند که چنین القاء کند که جنگ دوم ایران و روس را نیز روسها باعث شدند، ولی منابع تاریخی چنین القایی را تأیید نمی‌کنند. هر چند تلخی قرارداد گلستان در بروز این جنگ نقش داشت؛ ولی عملاً جریان عملی جنگ دوم از طرف ایران صورت گرفت.

در صفحه 161 کتاب مزبور آمده است:

"... به این ترتیب، تحریک و تشویق روسها باعث شد که شاه، عباس میرزای ولیعهد را به سوی هرات روانه کند." در اینجا نویسنده اتخاذ هر تصمیمی از طرف دولت ایران را در توطئه خارجی جستجو می‌کند. نمی‌توان تصمیم خطیری چون لشکرکشی و شکست در هرات را فقط در خارج از مرزها جستجو کرد.

در صفحه 172 کتاب مزبور آمده است:

"...در آستانه انقلاب مشروطیت شرکتهای انگلیسی و روسی در بیشتر شهرهای ابران شعبه‌هایی دایر کرده و به خرید و فروش مشغول بودند و این برای بازرگانان ایرانی محدودیت‌های بسیاری ایجاد می‌کرد."

یا در صفحه 176 کتاب مزبور آمده است:

"...قراداد گمرکی ایران و روسیه اقتصاد ایران را عملاً تحت کنترل روس‌ها در می‌آورد، بزرگترین ضربه را به صنایع و تولیدات داخلی می‌زد؛ زیرا تولید کنندگان داخلی قدرت رقابت با کالاهای خارجی را که با کمترین تعرفه گمرکی وارد می‌شد، از دست می‌دادند."

رقابت بازرگانی و اقتصادی موجب پویایی صنایع داخلی می‌گردد، نه عامل رخوت. بنابراین منفی قلمداد کردن ورود بازرگانان خارجی با رویکرد انزواگرایی تحلیل می‌شود. بنابراین القای اینکه ورود بازرگانان روسی موجب عقب ماندگی اقتصاد ایران شده است صرفاً سپربلا کردن دیگران و مبرا کردن خود از قصورات برنامه ریزی و مشکلات فرهنگی است.

در صفحه 172 کتاب مزبور آمده است:

"...در یکی از قبرستان‌های متروکه در بازار تهران مدرسه‌ی مخروبه‌ای وجود داشت که دولت آن را به روس‌ها داده بود تا در آن بانک بنا کنند...در اثنای کندن زمین اجساد پیدا شد...بعدها مردم آنجا را با خاک یکسان کردند."

در اینجا نویسنده القاء می‌کند که روس‌ها قصد هتک حرمت مقدسات کشور را داشتند، در حالیکه اعتقاد بر این است که روسها از جهت اعتقادات مذهبی در زمره کشورهای معتقد و متعصب در قرون اخیر محسوب می‌شدند. بنابراین چنین رویکردی موجب تقویت ذهنیت منفی ایرانیان به روسیه می‌گردد. روسها در گرفتن این محل برای تاسیس بانک اصراری نداشتند، دولت وقت ایران این محل را به آنها اختصاص داده بود.

در صفحه 185 کتاب مزبور آمده است:

"... پس از آن که نیروی نظامی به فرماندهی لیاخوف روسی به سوی مجلس حرکت کرد و حمله به سوی نمایندگان و مجلس آغاز شد، معدود مجاهدان مسلح به تیر اندازی متقابل دست زدند و به این ترتیب درگیری جدی آغاز شد."

تردیدی نیست که روس‌ها یکی از عوامل بروز استبداد صغیر بودند، ولی عامل اصلی استبداد و بازتولید آن، ساختار سیاسی و فرهنگ غالب در یک جامعه است. بیگانگان فقط می‌توانستند نقش تکمیلی داشته باشند. در حالیکه نویسنده چنین القاء می‌کند که روس‌ها عامل اصلی حوادث استبداد صغیر بودند.

در صفحه 185 کتاب مزبور آمده است:

"...سید ضیاء الدین برای اینکه بتواند همسایه شمالی را نیز با خود همراه سازد، مبادرت به امضای قرارداد 1921 با روسیه کرد."

اگر یک قرارداد مترقی در تاریخ روابط ایران و روسیه تا ربع اول قرن بیستم بتوان جستجو کرد قرارداد 1921 است. این قرارداد اگر به صورت یک بسته ملاحظه شود اکثر مفاد آن برای ایران مثبت بود و در روابط ایران و روسیه چنین قراردادی سابقه نداشت. در اینجا نویسنده قرارداد 1921 را صرفاً امتیازی برای روسیه تلقی می‌کند و بین دولت جدید روسیه پس از انقلاب و رژیم تزاری فرقی نمی‌گذارد.

نگارنده با تحلیل محتوای سطور فوق ادعای این را ندارد که کتاب تاریخ دبیرستان علت اصلی شکل‌گیری ذهنیت منفی ایرانیان به روسیه است یا اینکه قصد پالایش اقدامات منفی روسیه نسبت به ایران را داشته باشد، ولی تردیدی نیست که تاریخ‌نگاری به سبک فوق یکی از عوامل تقویت نگرش منفی ایرانیان به روسیه بوده است. در اینجا، برای اینکه ادعای نگارنده دایر به وجود ذهنیت منفی ایرانیان به روسیه در عمل مورد بررسی قرار گیرد اظهارات اخیر برخی از نخبگان ایرانی نسبت به روسیه مورد کنکاش قرار داده‌است و سپس به مطالعه میدانی در میان دانشجویان دانشگاه اصفهان مبادرت گردید.

بازتاب ذهنیت منفی ایرانیان نسبت به روسیه در اظهارات نخبگان (طی ماههای اخیر)

ذهنیت منفی متأثر از تاریخ روابط دو کشور در عصر حاضر نیز به‌صورت مختلف توسط برخی از نخبگان ایرانی اعم از طرفداران و منتقدان دولت ایران بازتولید می‌گردد که در سطور زیر برخی از این اظهار نظرها نقل قول می‌شود. این اظهارنظرها که در بحبوحه جریان هسته‌ای ایران مطرح شده است نگرش طیفی از نخبگان ایران را نسبت به روسیه نشان

می‌دهد. البته نگارنده این سطور درستی این ادعاها را تأیید و تکذیب نمی‌کند، ولی تردیدی نیست که این اظهارات متأثر از فرهنگ ایرانی و تجارب تاریخی این کشور است.

مثلاً جبهه ملی و گروه‌های ملی‌گرا در چندین بیانیه خود اظهار کرده اند:

"حق حاکمیت ملت ایران همزمان از سه سو مورد دست‌اندازی قرار می‌گیرد. در شمال، دولت فدراسیون روسیه و متحدان آن حقوق مسلم ایران را در دریایچه مازندران... نادیده گرفته‌اند..." (www.iran-jommelli.com).

"سازش با روسیه، تضمینی برای راه اندازی نیروگاه بوشهر هم نیست. جبهه ملی ایران از سالها پیش بارها اعلام کرده که روسیه توان فنی و انگیزه سیاسی راه اندازی نیروگاه بوشهر را ندارد" (www.mellimazhabi.org).

"اگر حکومت جمهوری اسلامی تصور می‌کند که پذیرش طرح روسیه در مورد رژیم حقوقی دریای مازندران، حسن نیت و رای روسیه را بنفع خود در اجلاس شورای امنیت به دنبال خواهد آورد، مرتکب اشتباه بزرگی می‌شود" (همان).

در این بیانیه‌ها با نگاهی منفی کلیه سیاستهای روسیه در خزر به چالش کشیده می‌شود، در حالیکه مشکل اصلی ایران در خزر فقط روسیه نیست. در این بیانیه‌ها، دیدگاه کاملاً منفی نسبت به روسیه ابراز می‌گردد، در حالیکه پروژه بوشهر در مراحل پایانی است و روسیه یکی از قطبهای تکنولوژی هسته‌ای بشمار می‌آید، هر چند که ممکن است کیفیت آن از دنیای غرب پایین تر باشد. باید بیاد داشت که سیاست هنر امکان است، حالا که غرب این تکنولوژی را از ایران دریغ کرد آیا بهتر نیست که این فن آوری از روسیه تحصیل گردد! نویسنده دیگری اظهار می‌دارد:

"هم اکنون... این حرص سیری ناپذیری روسیه این بار، در قامت پوتین می‌خواهند از سهم تغییر ناپذیر ایران (در دریای خزر)، به جمهوری‌هایی که در قرارداد گلستان و ترکمانچای از ایران بلعیده بودند ببخشند... در واقع روسیه می‌خواهد با این عمل شوم هر چه بیشتر از وسعت دریا را به دندان بگیرد" (www.irane-farda.com).

در اینجا لحن ادبیات بکار رفته نشان می‌دهد که گوینده از حقوق دریاها اطلاعاتی ندارد، وگرنه اینچنین بی پروا لب به انتقاد از سیاستهای روسیه نمی‌گشود. نگارنده این مقاله در هیچ جا ندیده است که روسیه بر خلاف ادبیات حقوق دریاها سخن رانده باشد. یا نویسنده‌ای دیگری معتقد است:

"روسیه به دلیل استفاده از ایران به مثابه اهرم قدرت نمایی در سیاست بین‌المللی و هم ایران برای جلب نظر روسیه در سمت و سوی سیاست‌های اتمی‌خویش، آن دو کشور را با اهداف متفاوتشان در کنار هم قرار داد" (www.federalchi.com).

در اینجا گوینده از پیچیدگی‌های سیاست بین‌الملل اظهار کم‌اطلاعی می‌کند. نمی‌توان از قدرت بزرگی چون روسیه انتظار برخورد منصفانه (بر اساس فرهنگ ایرانی) داشت. دوری و نزدیکی کشورها در سیاست بین‌الملل بر اساس محاسبه سود و زیان و همسویی و دوری منافع شکل می‌گیرد نه دلسوزی و وفای به عهد و سایر اصول اخلاقی.

برخی از نمایندگان مجلس ششم و هفتم هم، اینگونه ناخرسندی خود را نسبت به روسیه ابراز کردند:

"به هر حال رفتار روسیه در روابط ایران جای انتقاد دارد از طرفی با ایران قرارداد منعقد می‌کند و از سوی دیگر با اعضای دیگر شورای امنیت علیه ایران همراه می‌شود" (www.aftabnews.ir/vdcfecdw61d1v.html).

"نمی‌توان به وعده روس‌ها در پرونده هسته‌ای ایران اعتماد جدی داشت، رفتارشناسی تاریخی روسیه نشان دهنده بازی تاکتیکی این کشور با تحولات مرتبط با جمهوری اسلامی ایران و سایر پدیده‌های منطقه‌ای و جهانی است" (www.aftabnews.ir/vdcc44q2bpqoe.html).

"روسیه در روابط خود با کشورهای دیگر تنها به منافع خود فکر می‌کند" (www.aftabnews.ir/vdch6xn23mnw-.html).

"تجربه سال‌های اخیر نشان داده، ایران برای این کشورها (روسیه) تنها ابزاری برای بازی‌های آنها با رقبای اروپایی و آمریکایی‌شان بوده است. البته انتظاری نیز جز این نباید از این کشورها داشت" (www.aftabnews.ir/vdcipvat15auy.html).

همچنین تحلیلگر سرشناسی معتقد است:

"تا به حال روسیه، از ایران استفاده ابزاری کرده است، هم در جهت ایستادگی در قبال برخی از درخواست‌های آمریکا، هم از لحاظ جایگاه خودش در نظام بین‌المللی و از طرفی هم استفاده اقتصادی از ایران" (<http://radiozamaaneh.com>).

در عبارات فوق هم گویندگان مطالب فوق ضمن اظهار رویکرد منفی نسبت به روسیه، محذورات سیاست خارجی ایران را نادیده می‌گیرند. ایران پس از جنگ تحمیلی، جایگزین دیگری غیر از روسیه از جهت تقویت زیرساخت‌های نظامی نداشت و گزینه تصمیم‌گیرندگان ایرانی بخوبی آگاهی دارند که مرد عاقل تمام تخم مرغ‌ها را در یک سبد نمی‌گذارد. بهر حال همانطور که مطرح‌گردید انتظار نوع دوستی و وفاداری چنانکه در فرهنگ ایرانی بسیار ارزشمند است در سیاست بین‌الملل چندان مورد اعتنا نیست. از سوی دیگر نمی‌توان از روسیه انتظار نداشت که فقط به منافع خود نیندیشد، مهم این است که ما سیاست خارجی خود را به گونه‌ای تنظیم کنیم که نارو زدن حریف را برای او بسیار پرهزینه کنیم.

مطالعه میدانی

برای اینکه تلقی ایرانیان از روسیه با واقعیت سنجیده شود به مطالعه میدانی جهت نگرش سنجی ایرانیان نسبت به روسیه پرداختیم. سئوالات اساسی که از 379 دانشجوی مذکر (229 نفر) و مونث (150 نفر) دانشگاه اصفهان با جمعیت آماری 12000 نفر و بر اساس روش تصادفی آماری و در دسترس بودن نمونه‌ها و با توجه به تنوع خاستگاه جغرافیایی و رشته تحصیلی پاسخگویان مطرح گردید که به شرح زیر بود:

1. برداشت کلی شما از تاریخ روابط ایران و روسیه چیست؟

الف: مثبت ب: منفی ج: خیلی منفی ه: نظری ندارم

2. آیا روسیه کشور قابل اتکایی در سیاست خارجی و برنامه‌های اقتصادی ایران است؟

الف: بله ب: خیر ج: تا حدودی ه: نظری ندارم

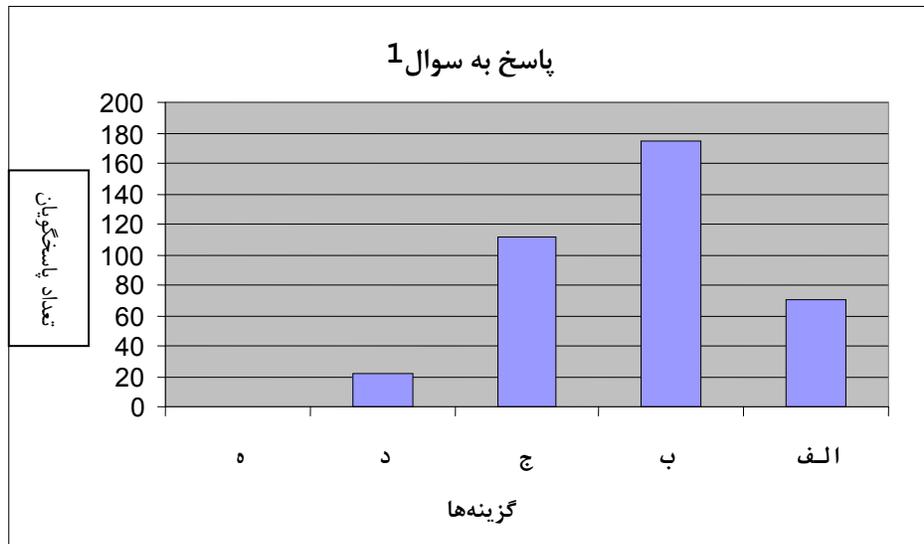
3. ایران بهتر است در روابط خارجی خود بیشتر با کدامیک از کشورهای زیر ارتباط داشته باشد؟

الف: روسیه ب: جهان اسلام ج: جهان غرب د: آسیای جنوب شرقی ه: همه موارد

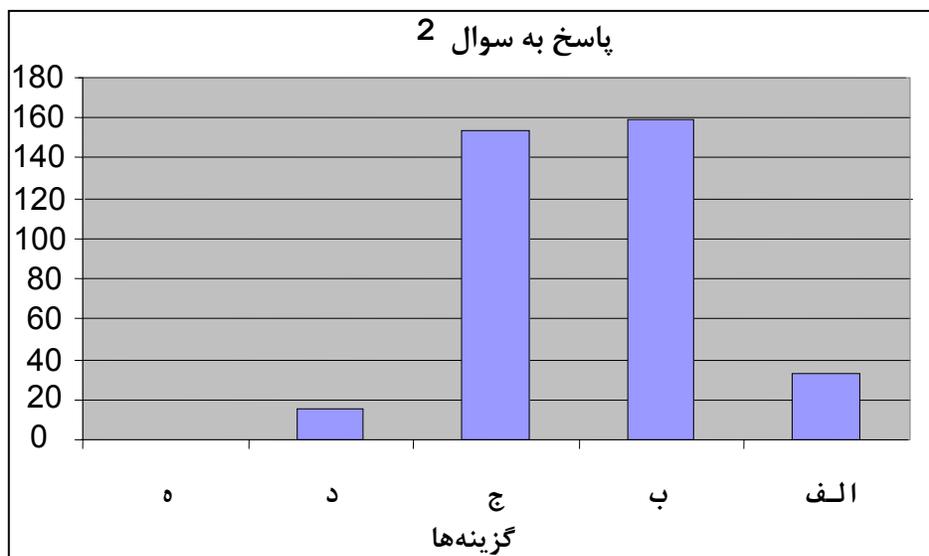
4. آیا روسیه می تواند همانند امریکا برای ترکیه، متحد استراتژیک برای ایران باشد؟

الف: بله ب: تا حدودی ج: خیر د: نظری ندارم

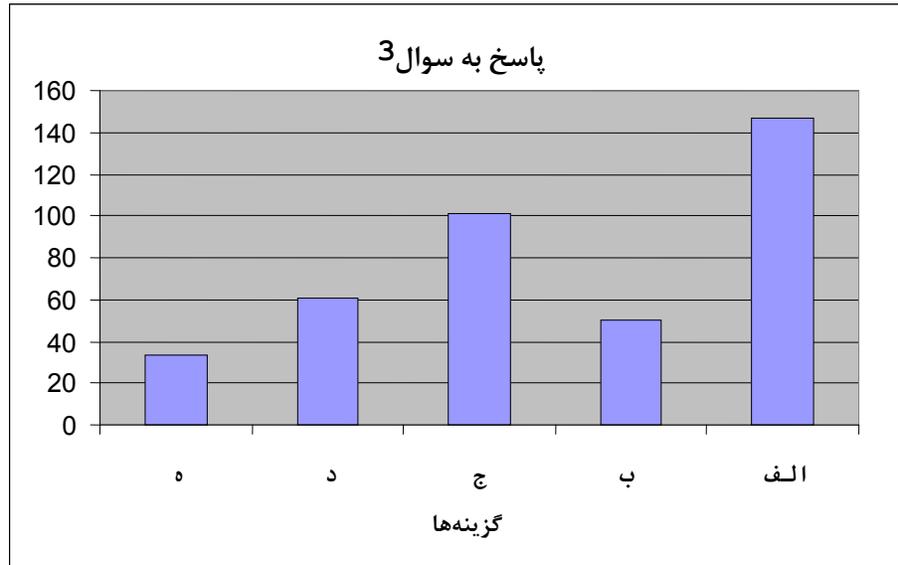
همانطور که در " نمودار پاسخ به سؤال اول " ملاحظه می شود به ترتیب 6 درصد به گزینه "الف"، 35 درصد به گزینه "ب"، 40 درصد به گزینه "ج" و 19 درصد به گزینه "د" پاسخ گفتند. در واقع 59 درصد مصاحبه شوندگان نگرش منفی و خیلی منفی به روسیه ابراز کردند.



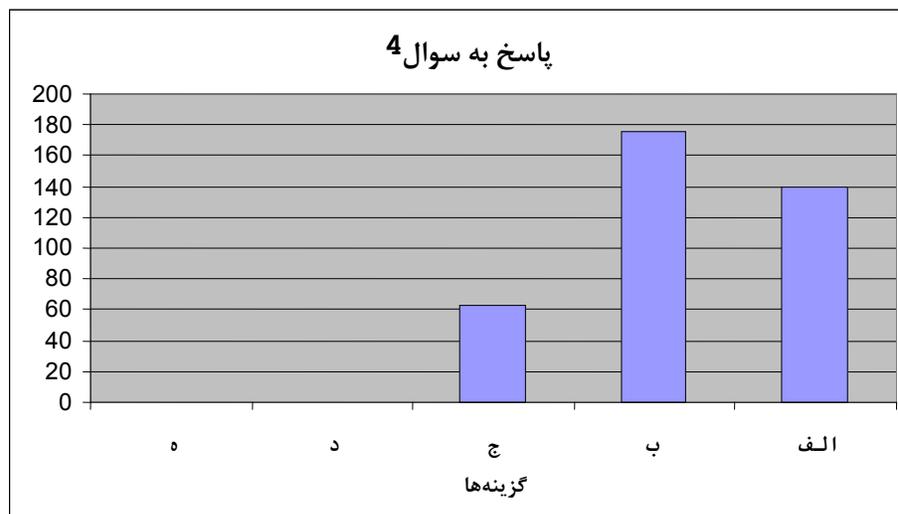
در پاسخ به سؤال دوم، همانطور که در " نمودار پاسخ به سؤال دوم " ملاحظه می‌شود به ترتیب 9 درصد به گزینه "الف"، 41 درصد به گزینه "ب"، 41 درصد به گزینه "ج" و 9 درصد به گزینه "د" پاسخ گفتند. در اینجا 41 درصد پاسخگویان روسیه را کشور قابل اتکاء در سیاست خارجی ایران تلقی نکردند.



در پاسخ به سؤال سوم، همانطور که در " نمودار پاسخ به سؤال سوم " ملاحظه می‌شود به ترتیب 4 درصد به گزینه "الف"، 16 درصد به گزینه "ب"، 27 درصد به گزینه "ج" و 15 درصد به گزینه "د" و 38 درصد به گزینه "ه" پاسخ گفتند. در اینجا هر چند پاسخگویان به گزینه روسیه رای پایینی دادند، ولی نشان دادند که فاقد یک استراتژی مشخصی نسبت به سیاست خارجی هستند.



در پاسخ به سؤال چهارم، همانطور که در " نمودار پاسخ به سؤال چهارم " ملاحظه می‌شود به ترتیب 17 درصد به گزینه "الف"، 46 درصد به گزینه "ب" و 37 درصد به گزینه "ج" پاسخ گفتند. در اینجا نیز نظر پاسخگویان تقریباً نسبت به روسیه منفی است.



به دلیل اینکه متغیر مستقل در این پژوهش همان فرهنگ سیاسی و تاریخ‌نگاری مبتنی بر آن است نمی‌توان این مفاهیم را تبدیل به عدد کرد؛ بنابراین استخراج ضریب همبستگی از کمیت‌های استخراج شده غیر ممکن است. اما از مقایسه ستون‌های هر نمودار و درصد پاسخگویان به گزینه‌ها می‌توان در مجموع ذهنیت ایرانیان را در جامعه آماری مورد نظر منفی ارزیابی کرد.

نتیجه‌گیری

نتایج مطالعه میدانی، بررسی و نقل قول دیدگاه‌نخبگان ایرانی و تحلیل محتوای کتاب تاریخ دبیرستان نشان می‌دهد که بسیاری از ایرانیان (حداقل در جامعه آماری مورد نظر) به واسطه رویدادهای منفی روابط ایران و روسیه و سبک تاریخ‌نگاری متأثر از نظریه توطئه، دارای نگرش منفی به این همسایه بزرگ شمالی هستند و این امر مانع از تنظیم اصولی و درازمدت در روابط دو کشور بوده است. در گستره روابط تاریخی دو کشور، فرازهای مثبت نیز به چشم می‌خورد که فرهنگ سیاسی غالب ایرانیان سعی در اغماض آنها دارد. صرف‌نظر از گذشته منفی یا مثبت و دیدگاه ایرانیان در این موضوع، داشتن رابطه سیستماتیک و درازمدت با همسایه شمالی به واسطه ضرورت‌های ژئوپلیتیک یک واقعیت اجتناب‌ناپذیر است. منافع ملی ایران ایجاب می‌کند که ضمن پالایش عناصر فرهنگی غیرسازنده در روابط دو کشور، نوعی بازسازی فرهنگی هم نسبت به روسیه و هم منطق‌بازی‌های سیاست بین‌الملل صورت گیرد. متأسفانه طی دو دهه اخیر، ایران صرفاً به خاطر فقدان جایگزین به روسیه گرایش پیدا کرده است؛ در صورتیکه ظرفیت‌ها و مزیت‌های نسبی فراوانی در تقویت روابط دو کشور وجود دارد که ایستارهای فرهنگی منفی به عنوان یکی از موانع اصلی در بالفعل شدن آنها تلقی می‌گردد. ایستار فرهنگی دیگر که در جامعه ایران، حتی در میان فرهیختگان شایع است این است که از روسیه انتقاد می‌شود که صرفاً منافع خاص خود را اساس فعل و انفعالات سیاست خارجی خود قرار می‌دهد و از ایران به عنوان "کارت چانه زنی" استفاده می‌کند. این ایستار فرهنگی نادرست است؛ زیرا نابخردانه است که از دولت‌های دیگر توقع گردد که برای منافع کشورهای دیگر به فرموله کردن سیاست خارجی خود مبادرت کنند. اغلب دولت‌ها به واسطه تقارن و همسویی منافع است که به یکدیگر نزدیک و از یکدیگر دور می‌شوند. بهر حال، نمی‌توان در

اهداف سیاست خارجی ایران، روسیه را نادیده گرفت؛ زیرا ایران بخاطر بایسته‌های ژئوپلیتیکی مجبور به داشتن رابطه با روسیه است، اکنون که چنین است داشتن یک استراتژی فرهنگی در این راستا گریزناپذیر است. قطعاً این استراتژی جاده یکطرفه نیست، روسیه نیز باید با اقدامات عملی و فرهنگی خود به تحقق این استراتژی کمک کند.

منابع و مأخذ

1. آلموند، گابریل و پاول، جی (1382)، "جامعه‌پذیری سیاسی و فرهنگ سیاسی"، ترجمه علیرضا طیب، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۱۳ و ۱۱۴.
2. امیر احمدیان، بهرام (تابستان 1383)، "جنگ‌های ایران و روسیه و جدایی قفقاز"، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۴۶.
3. بهار، محمد تقی (1382)، دیوان اشعار ملک الشعراء بهار، جلد اول، تهران: آزادمهر.
4. دهقانی فیروزآبادی، جلال‌الدین (1379)، "اهمیت روابط فرهنگی ایران و مصر در عصر گفت‌وگوی تمدن‌ها"، فصلنامه مطالعات آفریقا، از:
<http://old.did.ir/catalog/index.fa.asp?cn=pp00020031109132517>
5. پایور، منوچهر (29 اسفند 1382)، "روند جدید روابط ایران و روسیه"، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، از:
<http://old.did.ir/document/index.fa.asp?cn=pp00020040809082811>
6. تاریخ ایران و جهان (1384)، سال سوم آموزش متوسطه، رشته ادبیات و علوم انسانی، تهران: افست.
7. سریع القلم، محمود (1378)، "مبانی عشیره‌ای فرهنگ سیاسی در ایران"، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره 135-136.
8. رضاقلی، علی (1377)، جامعه‌شناسی خودکامگی، تهران: نشر نی.
9. زرگر، افشین (شهریور ۱۳۸۴)، "تنگناهای اتحاد استراتژیک بین ایران و روسیه"، فصلنامه راهبرد، ش ۳۱، از:
<http://old.did.ir/catalog/index.fa.asp?cn=pp00020065402551310>
10. فولر، گراهام (1377)، قبله عالم: ژئوپلیتیک ایران، ترجمه عباس مخبر، تهران، نشر مرکز.
11. کاظم‌زاده، فیروز (۱۳۷۱)، روس و انگلیس در ایران ۱۸۶۴ - ۱۹۱۴؛ پژوهشی درباره امپریالیسم، ترجمه
12. منوچهر امیری، چاپ دوم، تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
13. کولایی، الهه (1378)، فدراسیون روسیه، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
14. مازار، مایکل، جی. (بهمن و اسفند ۱۳۷۵)، "فرهنگ و روابط بین‌الملل: بررسی چند نظریه"، ترجمه مهبد ایرانی‌طلب، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال یازدهم، شماره پنجم و ششم.
15. موسوی، سیدرسول (زمستان ۱۳۷۴)، "روس‌ها در چشم ایرانیان: آسیب‌شناسی روابط ایران و روسیه"، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال چهارم، دوره دوم، شماره ۱۲.
16. مید، مارگارت (تابستان 1377)، مجله نامه فرهنگ، شمارگان ۳۰.
17. میری، احمد (1380)، فرهنگ استبداد در ایران، تهران: مؤسسه نگاه نو.
18. هرزیگ، ادموند (۱۳۷۵)، ایران و حوزه جنوبی شوروی سابق، ترجمه کاملیا احتشامی اکبری، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

19. "Culture", Online Encyclopedia of Wikipedia(2008), from:
<http://en.wikipedia.org/wiki/culture>.
20. Leandear ,Anna,(1997) "Cultural Diversity International Relations?" In Iver B.
21. Neumann and Ole Wavere, (eds). The Future of International Relations: Masters in the Making? ,London: Routledge.
22. Eisenstadt, Michael (1996), Iranian Military Power, Washington, D.C.: The Washington Institute for Near East Policy.
23. Vishniakov ,Viktor(1999), "Russian-Iranian Relations and Regional stability," International Affairs (Moscow), vol. 45, no. 1.
24. Chubin ,Shahram(Winter 2000), "Iran's Strategic Predicament," Middle East Journal, vol. 54, no. 1.
25. Freedman , Robert O.(1991), Moscow and the Middle East: Soviet Policy Since the Invasion of Afghanistan , Cambridge: Cambridge University Press.
26. Freedman ,Robert O.(1998), "Russia and the Middle East Under Yeltsin", The Middle East and the Peace Process (ed. Robert O. Freedman) ,Gainesville, Florida: University Press of Florida.
27. Robert O. Freedman(June2000), "Russian-Iran Relations in the 1990s", MERIA Journal, Volume 4, No. 2, from: <http://meria.idc.ac.il/journal/2000/issue2/jv4n2a5.html>
28. Beehner, Lionel(November 1, 2006), "Russia-Iran Arms Trade", from:
<http://www.cfr.org/publication/11869>
29. Simonov , Pavel (13.07.2005), "The Future of Russian-Iranian Relations", from:
<http://www.axisglobe.com/article.asp?article=232>
30. Orlov, Vladimir and Vinnikov, Alexander(Spring 2005), "The Great Guessing Game, Russia and the Iranian Nuclear Issue", The Washington Quarterly.
31. Baev , Pavel K.(February 26, 2007), "The Iranian Test For Putin's New Course", The Eurasia Daily Monitor, Volume 4, Issue 39.
32. Feifer, Gregory(January 18, 2007), "Russia Finds an Eager Weapons Buyer in Iran", NPR report.
33. Barrett , Simon(May 18, 2007), "Russian-Iranian Relations", News Blaze, from:
[.http://newsblaze.com/story/20070518171711nnnn.nb/topstory.html](http://newsblaze.com/story/20070518171711nnnn.nb/topstory.html)
34. <http://www.aftabnews.ir/vdcfecdw61d1v.html>
35. <http://www.aftabnews.ir/vdcc44q2bpqoe.html>
36. <http://www.aftabnews.ir/vdch6xn23mnw-.html>
37. <http://www.aftabnews.ir/vdcipvat15auy.html>
38. http://www.federalchi.com/Sokhane_Roz/EjlaseXezerDarIran.dwt
39. <http://www.iran-jommelli.com>
40. https://www.irane-farda.com/articles/articles_pannahandeh35.htm
41. <http://www.mellimazhabi.org/news/102007news/1710jphemli.htm>
42. http://radiozamaaneh.com/adibzadeh/2008/02/print_post_67.html